

۷ تقوای اجتماعی و مخالفان و موافقان آن :

موضوع	برخی از آرای مخالفان	برخی از آرای موافقان
بی‌تقوایی در روابط دو جنس	خودنمایی جنس مؤنث و ابراز تمایل جنس مذکر، امری طبیعی، جبری، عادی و غیرقابل کنترل است.	بی‌تقوایی امری طبیعی، اما متعلق به نفس حیوانی انسان و رعایت تقوی، ناشی از بعد انسانی و اراده آزاد اوست، بنابراین قابل کنترل است.
تسهیل ازدواج	تقوای اجتماعی، مانع آشنائی و تسهیل و تسریع پیوند ازدواج است.	بی‌تقوایی اجتماعی، باعث بی‌بند و باری و بی‌قیدی است، نه تنها پیوند ازدواج را تسهیل نمی‌نماید بلکه باعث فروپاشی خانواده‌ها می‌شود.
ارتباط پیش از ازدواج	ارتباط آزاد قبل از ازدواج، موجب آشنائی بیشتر و پیوند مستحکم‌تر خانواده می‌شود.	آشنائی قبل از ازدواج در شکل خانوداگی و مبتنی بر ارزشها مناسب است؛ اما ارتباط آزاد قبل از ازدواج موجب پیوندهای متزلزل و سست می‌گردد.
مرز بین آزادی فردی و اجتماعی	بین آزادی فردی و خانوداگی از یک سو و آزادی اجتماعی از سوی دیگر، مرز و تفاوتی وجود ندارد.	بین آزادی فردی و خانوداگی با ضرورت رعایت قوانین و ارزشها در جامعه مرز مشخصی وجود دارد.
رابطه ظاهر و باطن اشخاص	ظاهر و باطن از هم جدا هستند و آنچه مهم است باطن است، نه ظاهر	ظاهر، تجلی باطن افراد است و بی‌بند و باری ظاهری، مقدمه سقوط فردی و اجتماعی است.
رابطه دانشگاه و جامعه	اقتدار دانشگاهی باید هم‌رنگ جماعت شوند و هرگاه همه جامعه و مردم کوچه و بازار ساخته شدند، دانشگاه نیز اصلاح خواهد شد.	اقتدار فرهیخته دانشگاهی باید اسوه و پیشاهنگ تحقق ارزشهای انسانی برای مردم کوچه و بازار باشند؛ آنچنان که امام خمینی (ره) فرمود: «اگر دانشگاه‌ها اصلاح شود، کشور اصلاح می‌شود.»
نگرش نسبت به فرهنگ غرب	بی‌تقوایی اجتماعی مذموم نیست، و شبیه شدن جامعه اسلامی به جوامع غربی مقدمه شکوفایی فرهنگ و تمدن ماست.	بی‌تقوایی موجود در فرهنگ غربی، نشانه سقوط کیفی و انسانی این تمدن و باعث پایمال شدن همه ارزشهای انسانی و خانوداگی آن است. علم و صنعت غرب را باید آموخت اما از فرهنگ مبتذل آن باید دوری جست.
موضوع	برخی از اعمال مخالفان	برخی از اعمال موافقان
آشنائی و پذیرش احکام اسلامی	برخی از مخالفان یا موازین قانونی و اسلامی را نمی‌دانند و یا برداشتهای غلط از آنها داشته و تفسیر به رأی می‌نمایند و یا اصولاً اسلام را به عنوان سیره عملی قبول ندارند.	برخی از موافقان با موازین قانونی و اسلامی عمیقاً آشنا بوده و به توصیه‌ها و تأکیدات قانونی و اسلامی در وجوب تقوای اجتماعی اعتقاد دارند.
امر به معروف و نهی از منکر	برخی از مخالفان جایگاه و موازین فردی و اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر را نمی‌شناسند یا از آن تفسیر اشتباه دارند و آن را واجب و لازم نمی‌دانند.	برخی از موافقان با جایگاه و موازین فردی و اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر آشنا هستند و ضرورت انجام آنرا برای حفظ سلامت و امنیت اجتماعی و کیان جامعه امری قانونی، شرعی و واجب می‌دانند.
رابطه صاحبان قدرت و سیاست با تقوی	بعضی از احزاب و سیاستمداران، برای رسیدن به قدرت، و بعنوان باج‌دادن به برخی از رأی دهندگان در مقابل بی‌تقوایی اجتماعی یا سکوت می‌کنند یا تشویق و ...	برخی از احزاب و سیاستمداران حاضر نیستند بخاطر کسب قدرت، به پدیده خانمان برانداز بی‌تقوایی میدان بدهند.
ضعف یا قدرت مدیران	بعضی از مدیران و مسئولان، بدلیل ضعف شخصیت و یا خود کم‌بینی و ترس، از مقابله با بی‌تقوایی‌ها هراس دارند.	برخی از مدیران و مسئولان بدلیل ایمان مستحکم و اراده قوی، بی‌تقوایی اجتماعی را قابل تحمل ندانسته و تعامل قانونی را با افراد خاطی لازم می‌دانند.
گرایش شخصی به بی‌تقوایی	بعضی از مخالفان نه تنها با بی‌تقوایی دیگران موافقت، بلکه خود نیز به آن مبتلا بوده و گرایش دارند؛ حتی بعد از تشکیل خانواده	برخی از موافقان نه تنها با بی‌تقوایی دیگران مخالفت، بلکه خود نیز به تقوی گرایش دارند؛ بخصوص بعد از تشکیل خانواده.

اگر به مجموعه فوق یأس استکبار جهانی را نیز در شکست جمهوری اسلامی از بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی و علمی و ... در نظر گیریم و سیاست جدید آنها را مبنی بر صرف بودجه‌های هنگفت برای استحاله و شبیخون فرهنگی از درون نظام و نفوذ در عناصر مستعد برای مزدوری سیاستهای آنها لحاظ نماییم، لاجرم بی‌تقوایی اخلاقی را در بعد اجتماعی، چه آگاهانه یا ناآگاهانه، خیانت به همه ارزشهای اسلامی - انسانی، تلقی خواهیم نمود. آیا غیر از این می‌تواند باشد؟